

شرح احوالِ زندگی میرمحمد افضل ثابت الہ آبادی

دکتر سید محمد فرید

عضو هیأت علمی گروه فارسی، دانشگاه پنجاب، لاہور

ہما مشتاق علی

دانشجوی دکتری فارسی، دانشگاه پنجاب، لاہور

MIR MUHAMMAD AFZAL SABIT: LIFE AND WORK

Syed Muhammad Farid, PhD

Assistant Professor of Persian

Department of Persian, University of the Punjab, Lahore

Huma Mushtaq Ali

PhD Scholar (Persian)

Department of Persian, University of the Punjab, Lahore

Abstract

Mir Muhammad Afzal Sabit is one of the renowned poets of the Sub continent. He was not only a poet but also an author and critic of great merit. He was born in Alaabad, India in 1100 AH. He was scholar and unrivalled poet. He enjoyed a special status among eminent Iranian and sub continental poets for his unique style he employed in his poetry. Although Mir Sabit penned on different topics and wrote many books but his divan stood most prominent in his literary works. The article presents introductory study of his life and work.

Keywords:

Sub continent, Jehangir, Zaibunnisa, Baigum Makhfi, Nizamul Mulk Asaf Jah, Mirza Abdul Qadir Baidel, Mir Muhammad Afzal Sabit.

قرن دوازدهم هجری در تاریخ شبه قاره پاکستان و هند دوران
فتنه و فساد سیاسی و انحطاط اجتماعی نوشته شده است. در دوره بابر
(۹۳۲-۹۳۷ ق)، همایون (۹۳۷-۹۶۲ ق)، اکبر (۹۶۳-۱۰۱۴ ق)، جهانگیر
(۱۰۱۴-۱۰۳۸ ق) و شاهجهان (۱۰۳۷-۱۰۶۸ ق) زبان فارسی به اوج خود
رسیده بود یعنی وضع ادبی در دوره تیموریان متاخر ادامه سنت ادبی
زمان تیموریان بزرگ بود. دوره تیموریان هند از نظر گسترش زبان و ادب
فارسی بهترین دوره در تاریخ شبه قاره به شمار می رود. پس از وفات
اورنگزیب (د-۱۱۱۹ ق/ ۱۷۰۷ م)، جانشینان وی به علت عیش طلبی
و خوش گذران و جنگ برای تخت نشینی نتوانستند به شعر و شاعری
بپردازند. از جانشین او تنها فرخ سیر و وزیرش نظام الملک آصف جاه
و بهادر شاه ظفر علم دوست و شاعر پرور بودند. در این دوره انحطاط، زبان
و ادبیات فارسی بیشتر مورد توجه حکومت‌های غیر مستقلی قرار گرفت.
مراکز علمی و ادبی در منطقه اوده، حیدرآباد، بنگال، پنجاب، سند،
کشمیر، رامپور منتقل شدند و شعرای که از حمایت و توجه دربار مرکزی
محروم شدند به این مراکز روی آوردند. در قرن دوازدهم شاعران فارسی
گوی هند مانند: میر محمد رضا اسخ لاهوری سرهنندی (م ۱۱۵۷ ق)،
ناصر علی سرهنندی (م ۱۱۵۸ ق)، زیب النساء بیگم مخفی (م ۱۱۱۴ ق)،
سوامی بهوپت رای بیغم بیراگی (م ۱۱۳۲ ق)، میر محمد افضل سرخوش
دهلوی (م ۱۱۲۶ ق)، عبدالاحد وحدت سرهنندی (م ۱۱۲۶ ق)، میرزا
عبدالقادر بیدل عظیم آبادی (م ۱۱۳۳ ق)، میرزا ارجمند آزاد کشمیری
(م ۱۱۳۳ ق)، احمد یار خان یکتا لاهوری (م ۱۱۲۷ ق)، میر محمد علی رایج
سیالکوٹی (م ۱۱۵۰ ق)، میر محمد افضل ثابت اله آبادی (م ۱۱۵۰-۱۱۵۱
ق)، فائز دهلوی (م ۱۱۵۱ ق)، شاه فقیر الله آفرین لاهوری (م ۱۱۶۹ ق)،
میرزا گرامی کشمیری (م ۱۱۵۶ ق)، باخون جگر خود درخت شعر فارسی

را آبیاری کرده و ریشه های آن را در زمین نگهداشتند. (ظهیرالدین دکنر: ۱۹۸۴: ص ۹۶؛ هاشمی فرید آبادی: ۱۹۵۱: م: ص ۱۵؛ صفا: ۱۳۶۴: ش: ص ۴۳).

میر محمد افضل متخلص به ثابت یکی از توانا ترین شاعران دوره است. در ادبیات فارسی میر افضل ثابت از میان ادباء معاصر خود مقام بلندی داشت. میر محمد افضل متخلص به ثابت شاعر و عارف در قرن دوازدهم در الهه آباد متولد شد. درباره تاریخ تولد او اطلاعات زیادی در دست نیست در تذکره سفینه خوشگو نوشته شده که "در ۱۱۵۲ ق بعد از پنجاه سالگی در گذشت. بنا بر این تاریخ تولدش باید در حدود ۱۰۰۰ ق بوده باشد. (خوشگو: ۱۹۵۸: م: ص ۲۲۲). نسبتش به شاه نعمت الله ولی کرمانی که عارف بزرگ ایرانی بود می رسد. جد او میر ضیا الدین حسین بدخشانی ملقب به اسلام خان و متخلص به والا بود که از بدخشان به هندوستان آمد (صفا: ۱۳۶۴: ش: ص ۱۳۹۸؛ آرزو: ۲۰۰۴: ص ۳۱۹؛ حجتی: ۱۳۸۰: ش: ص ۸۲۱). ضیا الدین متخلص به والا در دوره اورنگ زیب می زیست و چه در دوران شاهزدگی و چه در دوره بادشاهی او با دربار او وابسته بود (حسین قلی خان: ۱۹۸۱: م: ص ۳۱۰). میر افضل ثابت برادرزاده میر عیسی بدخشی ملقب به همت خان (د- ۱۰۹۲) پسر ضیا الدین بدخشی بود. همت خان از کارگزاران بلند در عهد اورنگزیب عالمگیر بود.

میر افضل ثابت علوم متداوله روزگار خود در الهه آباد فرا گرفت و بزودی در شعر و سخن نام بر آورد. (کشن: ۱۹۷۳: م: ص ۵۲). ثابت علاوه از شعر و ادب در فقه و حدیث و کلام مهارت داشت. (هاشمی: ۱۹۶۸: م: ص ۴۷۴).

ثابت پس از فرا گرفتن علوم جای پیدایش خود شهر الهه آباد را ترک گفت و طرف شاه جهان آباد کوچید. در مجمع التقایس نوشته است:

"علم شعر و شاعری در دارالخلافه شاه جهان آباد دهلی افراخته" (آرزو: ۲۰۰۴: ص ۳۱۹).

وی در حلقه دانشمندان آن شهر در آمد. نبی هادی در کتاب خود نوشته :
 Sabit, Mir Afzal was the descendant of Islam khan . From Allahabad ,
 which was his place of residence, he came to settle in Dehli and
 acquired fame as a poet. A man of pious and unwordly character, he
 was much respected by his contemporaries. His Diwan was witnessed
 by Khwushgu and Bhagwan Das. (Nabi: 1995:pg 523)

میر افضل ثابت از شاعر بلند آوازه زمان خود به شمار می رود. در دوره
 محمد شاه بادشاه (حک: ۱۱۱۳-۱۱۶۱ق) مدتی در دربار و در لشکر وی جای
 داشت. در برخی مآخذ آمده است او در شاه جهان آباد منصب و جاگیر
 یافت (جعفری و فرهانی: ۱۳۸۴ش: ص ۲۲۶). ولی دیری نگذشت که از دربار
 و لشکر جدا شده و از مردم گوشه گرفت. (بهگوان داس: ۱۹۵۸م: ص ۲۲). او
 وقتی از امور دنیوی گوشه نشینی اختیار کرد در خانه حکیم میر امام الدین
 کبیر که با وی دوست نزدیک بود گذراند. (خلیل: ۱۹۷۸م: ص ۳۲؛ جعفری
 و فرهانی: ۱۳۸۴ش: ص ۲۲۶). اکثر امرای دربار محمد شاه (حک: ۱۱۱۳-
 ۱۱۶۱ق) او را به پیروی می پرستیدند. افضل ثابت پسر بنام محمد عظیم
 متخلص به ثبات داشت که در فاصله سال های ۱۱۲۰-۱۱۲۵ق /
 ۱۶۰۹-۱۶۱۳ق در اله آباد زاده شد (غنی: ۱۹۹۹م: ص ۲۵). ثابت شعر
 و شاعری پس از درگذشت پدر اختیار نمود و سرانجام در سال ۱۱۶۲ق /
 ۱۷۴۹م از این جهان فانی رخت بر بست. آرزو نوشته است که:

”وی دیوان خود را که قریب چهار هزار بیت داشت برای اصلاح پیش من
 می آورد.“ (آرزو: ۲۰۰۴: ص ۲۲۲).

حلقه شاعران او تا اله آباد و دهلی محدود نبود بلکه از گوشه و
 کنار هند به محضر او می آمدند. میر محمد شفیع ملتانی از زمره شاعران او
 بود و نواب شیر افکن خان پسر عزت خان، به شاعر دی و مریدی او افتخار
 می کرد حتی بر نگین انگشتی او ثبت بود ”شیر افکن خان مرید ثابت
 است“ (عبدالوهاب: ۱۹۴۰م: ص ۸۲؛ حاکم: ۱۳۳۹ش: ص ۶۵). نیاکان ثابت

پیرو اهل سنت و جماعت بودند ولی میرافضل گیرایش به تشیع داشت، بنا بر این وی قصاید زیادی در مدح امامان شعیبه سرودهبود. (منزوی: ۹۸۷م: ج ۸: ص: ۱۰۷۸؛ خلیل: ۹۷۸م: ص: ۳۳؛ صفا: ۱۳۶۴ش: ص: ۱۳۹۹).

محرم آمد و گردید حال دهر تباه
کشید تیغ مصیبت هلال بر سر ماه
نشد بی‌هیچ درو دشت ماہتاب سفید
که همچو پنبه ناسور خون ازو نچکید

ثابت تا آخر عمر شعر و شاعری را علاقه داشت و زندگی را با زهد و قناعت در شاه جهان آباد در دهلی گذراند. ثابت در سال ۱۱۵۱ق در دهلی این جهان فانی را بدرود گفت. (صدیق: ۱۲۹۶ق: ص: ۱۰۲؛ گویاموی: ۱۳۳۶ش: ۱۳۴؛ بلگرامی آزاد: بی تا: ص: ۱۷۳).

آراء منتقدان مهم درباره شعر میر محمد افضل ثابت

سراج الدین علی خان آرزو نوشته است:

”سیدی والا نسب، فاضلی عالی حسب، برادر زاده همت خان ولد اسلام خان است. علم شعر و شاعری در دارالخلافه شاهجهان آباد دهلی افراخته، با حکیم الملک شیخ حسین شهرت و دیگر اعزه هم طره بود. همه کس از او حساب بر می داشتند. اگرچه با فقیر بر سر شعر بیت المال گاهی صلح و گاهی جنگ داشت لیکن واقعی این است که هزار حیف که دیگر مثل او بی در این جزو زمان کجا بهم می رسد فلک هزار چرخ زند که سخنور کذایی پیدا گردد. میر مذکور را قصاید غر است از آن جمله قصیده است مشتمل بر چهار صد بیت و آن در هنگامی گفته که او را با یکی از شاعران ایرانی منازعت اتفاق افتاده و نیز واقعات کربلا را به طریق واقعات مقبل موزون نمود. اگرچه میر غزل کم گفته اما هر چه گفته نهایت متانت دارد. (آرزو: ۲۰۰۳م: ص: ۲۱۹)

مؤلف مخزن الغرائب در باره میر محمد افضل چنین نوشته است:
 ”مردی درویش نهایت فاضل کامل بود. صلاح و تقوی و استغنا زاید
 الموصف داشت. طبع شریفش به گفتن اشعار مایل بود. اشعارش مدون
 است. در طعن و هجو شاعر عامی، لیکن نام صریح در هجو کس نبرده. در
 مناقبت امیر المؤمنین علیه اسلام نموده و در آن معنی دقیق و بلند اندراج
 کرده. (هاشمی: ۱۹۶۸م: ص ۲۴۲)
 در تذکره سرو آزاد نوشته:

”ثابت در جمیع اقسام شعر استادانه می گوید خصوص در قصیده شانی
 بلند دارد. دیوانش حاوی انواع سخن است قصیده را خوب می
 ساخت. (بلغرامی: ۱۹۱۳م: ص ۱۷۶).

مؤلف سفینه خوشگو در باره میر افضل ثابت نوشته که:
 ”او شاعری مسلم الثبوت بود. و او را بی تردید (کلیم روزگار) و (عرفی وقت)
 خویش توان گفت. (خوشگو: ۱۹۵۸م: ص ۲۲۲).
 در انیس العاشقین نوشته است:

”ثابت اسمش میر محمد افضل از سادات اله آباد است و اجدادش از بدخشان
 بوده. آن شاعر توانا با اکثر علوم ربطی داشت. در ۱۱۵۱ بعالم بقا شتافته
 (زخمی: ص ۱۰۲)

زمینه شاعری میر افضل ثابت اله آبادی سرودن قصیده است.
 در آن روزگار چون قصیده زیاده رونقی نداشت شاعران سبک هندی در
 قالب غزل شعر می سرودند ولی ثابت قصاید بسیار طولانی دارد. وی
 قصاید طولانی در مدح ائمه اطهار سروده و این قصاید او به سبب معانی
 تازه اهمیت فوق العاده دارند. علاوه از آن در مذمت یکی از شاگرد خود که
 حق و ادب استاد را نادیده گرفته بود قصیده مشتمل بر چهار صد بیت
 سروده بود (خلیل: ۱۹۷۸م: ص ۲۲). مؤلف سفینه خوشگو او را به سبب

معانی تازه و مضامین بلند شاعر بی نظیر می داند.

نگاهی به آثار میر افضل ثابت اله آبادی

میر افضل ثابت یکی از توانا ترین شاعران شبه قاره پاکستان و هند بوده است. آن مردی جامع صفات هنوز در جهان ادب فارسی به تمام و کمال شناخته نشده است او دیوان شعر خود به یادگار گذاشت که در ذیل معرفی شود.

دیوان میر افضل ثابت مشتمل بر قصاید، غزلیات، و رباعیات است. تذکره نویسان تعداد اشعار او سه هزار نوشته اند. قصاید وی بیشتر در توحید، نعت پیامبر ﷺ و مدح امامان شیعه است. وی در قصایدش از دراز گویی برکنار نیست. قصیده وی بنام شهاب ثاقب دارای ۲۵۰ بیت است و مطلع آن است:

چو نامه دلم از دست غم رسد بگشاد

زند ز مهر سویدای خویشتن نقش مراد

دیوان میر افضل ثابت بعد از یک ماه درگذشت وی نواب بنده علی خان جمع آوری کرده و تا اکنون چاپ است. نسخه ای از دیوان او در کتاب خانه مرکزی دانشگاه پنجاب در شماره ۱۰۵- SPI/VI-۲۵۲ نگهداری می شود. نسخه دیگر در کتاب خانه موزه ملی در کراچی به شماره N.M ۱۹۶۹-۳۰۴ نگهداری می شود و تعداد صفحه آن ۲۹۲ است. نسخه سوم نیز در کتاب خانه موزه ملی در کراچی به شماره N.M ۱۹۶۱-۱۲۳۴ نگهداری می شود و تعداد صفحه آن ۹۲ است که کامل نیست. (منزوی: ۱۹۸۷م: ص ۱۰۷۸).

کتابشناسی

- (۱) آرزو سراج الدین علی خان، ۲۰۰۲م، تذکره مجمع النفایس، به کوشش دکتر زیب النساء علی خان، ج ۱، اسلام آباد.
- (۲) بلگرامی میر غلام علی، ۱۹۱۳م، تذکره سرو آزاد، دکن.
- (۳) بلگرامی میر غلام علی آزاد، بی تا، خزانه عامره، نولکشور، کانپور.
- (۴) بهگوان داس، ۱۹۵۸م، سفینه ہندی، به کوشش محمد عطا الرحمان، پتنہ.
- (۵) جعفری عبدالقادر و فرہانی مہدی، ۱۳۸۲ش، الہ آبادی میر محمد ثابت، ۱۱. دانشامہ زبان و ادبیات فارسی در شبہ قارہ، به سرپرستی فرہنگستان زبان و ادب فارسی، تہران، ایران.
- (۶) حاکم عبد الحکیم، ۱۳۳۹ش، تذکرہ مردم دیدہ، به کوشش سید عبداللہ، لاہور.
- (۷) حجتی، ۱۳۸۰، اورنگ زیب عالمگیر، دانشنامہ ادب فارسی در شبہ قارہ از حسن انوشہ، ج ۱، تہران، ایران.
- (۸) حسین قلی خان عظیم آبادی، ۱۹۸۱م، تذکرہ نشتر عشق، تصحیح اصغر جانقدا، دوشنبہ.
- (۹) خلیل علی ابراہیم، ۱۹۷۸م، صحف ابراہیم، به کوشش عبد رضا بیدار، پتنہ.
- (۱۰) خوشگو بندرا بن داس، ۱۹۵۸م، سفینہ خوشگو، شاہ محمد عطا الرحمان، پتنہ.
- (۱۱) زخمی، رتن چند، خطی، انیس العاشقین، کتاب خانہ مرکزی دانشگاه پنجاب، لاہور.
- (۱۲) صفا ذبیح اللہ، ۱۳۶۲م، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۵، تہران، ایران.
- (۱۳) صدیق محمد، ۱۲۹۶ق، تذکرہ شمع انجمن، بہوپال.
- (۱۴) غنی محمد عبد الغنی، ۱۹۹۹م، تذکرہ الشعراء، به کوشش محمد اسلم خان، دہلی.
- (۱۵) کشن چند اخلاص، ۱۹۷۳م، تذکرہ ہمیشہ بہار، تصحیح د. وحید قریشی، کراچی.
- (۱۶) گوپاموی قدرت اللہ، ۱۳۳۶ش، تذکرہ نتائج الافکار بمبئی.
- (۱۷) ظہور الدین احمد، ۱۹۸۴م، پاکستان میں فارسی ادب، لاہور.
- (۱۸) منزوی احمد، ۱۹۸۷م، فہرست مشترک، نسخہ های خطی فارسی پاکستان، ج ۸، اسلام آباد.
- (۱۹) ہاشمی سنڈیلوی، ۱۹۶۸م، تذکرہ مخزن الغرایب، به کوشش، محمد باقر خان، لاہور.

(19) Nabi Hadi, 1995 , Dictionary of Indo Persian Literature, Dehli.

